

مبانی، شاخص‌ها و آثار فروتنی، در سیره و اندیشه اخلاقی آیت‌الله ناصر^{علیه السلام}

محمدحسین کرمانی^۱

چکیده

پژوهش حاضر در پی واری و تحلیل مبانی، شاخص‌ها و آثار فروتنی در سیره و اندیشه اخلاقی آیت‌الله ناصر^{علیه السلام} است. هدف از این نوشتار، تبیین تواضع حقیقی و تمایز با همسایه‌های بدلی آن، از راه شاخص‌ها و آثار است. این پژوهش با روش نقلی و تحلیل محتوای قرآنی و روایی، و تطبیق آن بر سیره اخلاقی آیت‌الله ناصر^{علیه السلام} با توجه به مکتوبات و سخنان کسانی انجام گرفته است که با وی مانوس بوده‌اند. یافته‌های این تحقیق عبارت‌اند از:

۱. تواضع و فروتنی، از جمله فضایی است که ریشه در درون، شخصیت و شاکله انسان دارد؛ از این رو نهادینه شدن این فضیلت در وجود انسان، قهرا بروزات رفتاری متناسب با آن را به دنبال خواهد داشت. این درونی‌سازی فروتنی، حقیقتی است متمایز با تواضع‌های دروغین که پراز ابراز منیت‌ها و خودبینی‌هاست.
 ۲. شاخص‌های فروتنی در روایات بسیار است؛ از جمله: نشست و برخاست با ضعف و فقرا، راضی بودن به نشستن در هر جای مجلس، سلام کردن به افراد، ترک جدال، بخشش به دیگران، دوست‌نداشتن ستایش شدن از طرف دیگران و فرو خوردن خشم.
 ۳. از جمله آثار فروتنی می‌توان به بزرگی و شرافت، تقرب به خدا، محبت، حکمت و تقرب به اهل بیت^{علیهم السلام} اشاره کرد.
 ۴. این یافته‌ها در شخصیت آیت‌الله ناصر^{علیه السلام} نمایان است.
- کلیدواژه‌ها: تواضع، فروتنی، ساده‌زیستی، شخصیت، شاکله، آیت‌الله ناصر^{علیه السلام}.

۱. دانش‌پژوه سطح چهارم اخلاق عرفانی مرکز تخصصی اخلاق دارالهدی قم. mhk9162@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۱۵



مقدمه

منشأ بیشتر رفتارهای انسان، بینش‌ها و گرایش‌های او و سرچشمه بینش‌ها و گرایش‌ها نیز غالباً باورها و ارزش‌های اوست. از این رو لایه درونی هویت فرد و حتی جامعه، همان باورها و ارزش‌ها، و لایه رویین و آشکار آن، همان رفتارها است. تناسب رفتار شخص یا جامعه با باورهای بنیادین و ارزش‌های اصیلش، نشان‌دهنده هویت داشتن آن شخص یا آن جامعه خواهد بود. لازمه این تناسب و ارتباط، در مرحله اول، شناخت باورها و ارزش‌های دینی است که تأثیری مستقیم در شکل‌گیری این هویت دارد.

از طرف دیگر، گسست بین این دو، موجب خسارت‌هایی جبران‌ناپذیر بر انسان و جامعه می‌شود؛ چراکه فقدان ارتباط معنادار بین رفتارها، باورها و ارزش‌ها، به تدریج سبب دست‌شستن از باورها و ارزش‌ها، و تلقی ناکارآمدی آن‌ها خواهد شد. خداوند متعال در قرآن کریم به همین نکته اشاره فرموده است: ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْاىَ اَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللّٰهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ﴾ (روم: ۱۰)؛ سرانجام کار آنان که بسیار به اعمال زشت و کردار بد پرداختند این شد که آیات خدا را تکذیب و تمسخر کردند [زیرا معصیت، دل را تاریک کند و چون بسیار شود به ظلمت کفر می‌انجامد].

البته از این نکته هم نباید غافل بود که تأثیر باور و ارزش بر رفتار، تأثر را هم به دنبال دارد؛ بنابراین رفتارها هم بر باورها و ارزش‌ها تأثیرگذار خواهد بود؛ همان‌طور که بین اندیشه و آگاهی، انگیزه و گرایش، و عمل و رفتار، ارتباطی سه‌سویه وجود دارد. این سه ساحت در آموزه‌های دینی تأثیرات متقابلی بر هم دارند؛ به‌گونه‌ای که ارتقای هر کدام سبب رشد دیگری می‌شود و متناسب بودن هر کدام با همدیگر به ارائه نوعی سبک زندگی اسلامی در تمام عرصه‌ها منجر خواهد شد. طبیعتاً از یک سو آگاهی به انسان انگیزه می‌دهد، و انسان با انگیزه، رفتاری درخور خواهد داشت. از سوی دیگر رفتار شایسته، انگیزه انسان را ارتقا می‌دهد و بر شناخت او می‌افزاید.

از جمله فضیلت‌ها و ارزش‌هایی که بر انگیزه و رفتار آدمی، تأثیرگذار است، فروتنی است. انسانی که به این فضیلت آراسته شود، انگیزه و رفتار او نیز متناسب با آن خواهد شد. گاهی ساده‌زیستی در زندگی حتی با تمکّن مالی، رفتاری است که منشأ آن فروتنی است؛ البته هر شخص ساده‌زیستی، الزاماً متواضع نیست و چه بسا فرد ساده‌زیستی که پر از تکبر باشد!





در بین فضایل و رذایل، برخی برای برخی دیگر حکم اصل و مادر را دارند؛ یعنی متصف شدن به آن صفات، خود به خود صفات دیگر را به دنبال دارد. از جمله صفات اصیل، صفت تواضع است. این نکته، به وفور در روایات اهل بیت علیهم‌السلام دیده می‌شود؛ در روایتی امام صادق علیه‌السلام تواضع را اصل و ریشه همه خیرها و همه مراتب والا، و شرط قبولی عبادات انسان دانسته است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲: ۱۲۱). امیرمؤمنان علیه‌السلام نیز صفت تواضع را مانند چشمه‌ای که فضایل دیگر از او جاری و پخش می‌شود دانسته، و در تشبیهی دیگر تواضع را به مثابه ریشه درختی تنومند دانسته که شاخه‌ها و میوه‌های آن، صفات و فضایل دیگر از جمله عقل است. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۸)

از این رو تأثیرگذاری این فضیلت بر انگیزه و رفتار انسان دوچندان است و بسیاری از رفتارهای انسان را پوشش می‌دهد. بنابراین شناخت حقیقت تواضع، شاخص‌ها و آثار آن، به انسان کمک می‌کند تا بتواند متصف به این فضیلت شود.

مفهوم تواضع

تواضع از ماده وضع و در اصل به معنی فرو نهادن است و ضد آن بلندی است. در کتب لغت معنای وضع به پایین بودن و انحطاط یک چیز که به معنای فروتنی و خشوع و تذلل است، بیان شده است. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۳: ۱۳۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸: ۳۹۶)

در اصطلاح، تواضع آن است که انسان، خود را از کسانی که در جاه و مقام از او پایین‌ترند، برتر نداند و نیز نوعی شکسته‌نفسی است که اجازه ندهد آدمی خود را برتر از دیگری ببیند و لازمه آن کردار و گفتاری است که دلالت بر بزرگداشت دیگران و اکرام ایشان می‌کند. (نراقی، ۱۴۰۱: ۳۰۰)

حقیقت تواضع

دین اسلام در گام نخست، باورها و ارزش‌ها را، و در گام بعد، آداب و دستورات عمل‌های خاص (سبک زندگی) را برای همه ابعاد زندگی ارائه کرده است؛ از این رو می‌توان گفت ازسویی، سبک زندگی، محصول باورها و ارزش‌هاست. یعنی شیوه زندگی هر فرد یا جامعه، به باورها و ارزش‌های حاکم بر آن فرد و جامعه وابسته است و ازسوی دیگر سبک زندگی و رفتارهای انسان، در شاکله و شخصیت او ریشه دارد. خداوند می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ»





(اسراء: ۸۴) با تلفیق این دو نگاه به این نتیجه خواهیم رسید که شکل‌گیری شاکله انسان از همان باورها و ارزش‌ها آغاز می‌شود و با ترجیح رفتارهای خاص در حوزه تربیت، اخلاق و معنویت ادامه می‌یابد. از این رو هرچه باورها و ارزش‌های انسان به کمال مطلوب و توحید ناب نزدیک‌تر باشد، اعمال نیز والاتر خواهد شد و البته بازگشت این‌گونه رفتارها به تقویت همان باورها و ارزش‌ها می‌انجامد و این اثرگذاری و اثرپذیری، سبب تقویت و ارتقای شاکله انسان خواهد شد.

با این بیان، تواضع حقیقی آن است که از درون، نشئت گرفته باشد که اگر این‌گونه باشد، صدق در این شخص معنا پیدا می‌کند و می‌توان او را به صدق در تواضع، متصف نمود و در غیر این صورت این تواضع، رفتاری نفاق‌گونه است؛ چراکه رفتارش تواضع را نشان می‌دهد، اما در درون فردی متکبر و خودخواه است! امام صادق علیه السلام در بیان یکی از نشانه‌های تواضع می‌فرماید: «أَنَّ لَا تُحِبُّ أَنْ تُحَمَّدَ عَلَى التَّقْوَى» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۲۳)؛ [فروتنی آن است که دوست نداشته باشی مردم تو را به خاطر تقوایت ستایش کنند.

روشن است که این نشانه، به رفتار جوارحی انسان مربوط نیست؛ بلکه امری قلبی و درونی است. در این روایت، امام علیه السلام در کنار نشانه‌های بیرونی، نشانه‌ای درونی، شخصیتی و قلبی را هم بیان می‌کنند. انسانی که در پی ستوده شدن از سوی مردم است نمی‌تواند در برابر آنان رفتاری متواضعانه داشته باشد و هرگونه بروز فروتنی از او ریاکارانه و نفاق‌گونه است.

در سیره آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه این هماهنگی بین رفتارهای بیرونی و اعتقادات درونی، بسیار نمایان بود و هرکسی که با وی اندک حشرونشری داشت، به این مطلب اذعان می‌کرد. او در رفتارهای خود واقعاً صادق بود؛ یعنی هر رفتاری که از وی مشاهده می‌شد، منطبق بر شخصیت و شاکله‌اش بود. از جمله رفتارهای وی فروتنی با اطرافیان بود، چه بزرگ و چه کوچک، چه عالم و چه غیرعالم. او به نفس خود آموخته بود که باید در برابر بندگان خدا متواضع بود و همه را بهتر از خود دانست، همان‌طور که انبیا و اهل بیت علیهم السلام این‌گونه بودند و اساساً شاخصه اصلی همه اهل بیت علیهم السلام و حتی همه انبیا این فضیلت بوده است.^۱

خداوند متعال به پیامبر خود که اشرف مخلوقات عالم است، دستور به تواضع می‌دهد.

۱. رک: بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۱، باب تواضع الحسین علیه السلام؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۷۴، باب تواضع علی بن الحسین علیهما السلام؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۲۵، تواضع موسی بن جعفر علیهما السلام؛ بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۲۹۱، تواضع ابی جعفر علیه السلام؛ بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۷۸، تواضع عیسی علیه السلام؛ سفینه البحار، ج ۸، ص ۵۲۰



(حجر: ۸۸؛ شعرا: ۲۱۵) اساساً مصداق تام انسان متواضع را باید در انبیا و اهل بیت علیهم السلام نگریست. سرچشمه همه خیرها و فضیلت‌ها اهل بیت علیهم السلام هستند: «إِنَّ ذِكْرَ الْحَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَ أَصْلَهُ وَ فَرْعَهُ وَ مَعْدِنَهُ وَ مَأْوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ۶۱۰)، و راه تقرب به خدا، این بزرگواران هستند: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ۶۱۰). این صفت تواضع و فروتنی از جمله صفاتی است که حتی در بعضی روایات یکی از علامات و نشانه‌های امام شمرده شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۵، ۱۱۷)

آیت الله ناصری رحمته الله علیه همان‌طور که خودش متصف به این فضیلت بود، دیگران را هم بدان توصیه می‌کرد. وی تکبر را از مختصات حضرت حق می‌دانست و یکی از صفات انبیا را تواضع و فروتنی معرفی می‌کرد و با استناد به آیه شریفه ۲۱۵ سوره شعرا که خداوند متعال به پیامبر خود امر به تواضع می‌کند، می‌فرمود:

پیغمبر ما اشرف اولاد آدم و علت ایجاد عالم وجود است. خدا به پیغمبر می‌بالد و به جان او قسم می‌خورد. با این همه عظمت، باز خدا امر می‌کند که در برابر مؤمنین متواضع باش. و ایشان همیشه همین‌طور بودند. در جلسات که می‌نشستند، عرب‌هایی که از بیابان به محضر پیغمبر می‌آمدند، می‌دیدند جلسه دایره‌ای است و معلوم نیست کدام از آن‌ها بزرگ‌تر و پیامبر است؛ لذا صدا می‌زد و می‌گفت: کدام یک از شما پیغمبر هستید؟ (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۸۱)

اگر با دقتی بیشتر به روایات بنگریم، خواهیم دید که اصلاً ریشه رفتارهای متواضعانه، همان تواضع درونی و قلبی است؛ و تواضع درونی به رفتارهای شخص متواضع، ارزش می‌دهد. امام صادق علیه السلام در روایتی علت کلیم الله شدن حضرت موسی علیه السلام را تواضع و ذلت درونی او بیان می‌فرماید. آنجا که خداوند متعال به موسی خطاب کرد: «موسی، من بندگان خودم را زیور و کردم و آنان را به ملاحظه ظاهر و باطنشان امتحان کردم و در میان آنان تو را از همه متواضع‌تر در برابر خودم دیدم. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸: ۲۵۰)

این تواضع و ذلت درونی است که سرمنشأ منش و رفتار متواضعانه خواهد شد. از این رو گفته‌اند: از کوزه همان برون تراود که در اوست. از این رو انسانی که به عیوب خویش پی‌برده باشد و کمبودهای خود را حس کرده باشد، خواه‌ناخواه رفتاری فروتنانه خواهد داشت. این کوچک دیدن خود، افزون بر این‌که فکر و بینش و رفتار انسان را اصلاح می‌کند و ریشه تواضع را در وجود او محکم می‌کند، باعث بزرگ شدن در بین مردم خواهد شد. در روایتی از



امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است که اگر می‌خواهی خوبی‌هایت در بین مردم، بزرگ شمرده شود، نباید آن خوبی‌ها در چشم خودت بزرگ باشد. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۳۶) و نیز در روایت دیگری فرمودند: در بزرگی و فضیلت انسان همین بس که خود را حقیر و کم بداند. (همو: ۳۸۵) فراتر این‌که در برخی روایات، ملاک عاقل‌بودن یا کامل‌بودن انسان، خودکم‌بینی بیان شده است. (همو: ۴۷۶ و ۴۲۸)

آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه هم در سیره و منش، و هم در اندیشه و گفتار، مصداق این روایات بود؛ آنجا که در سخنرانی‌های خود همیشه نفس خویش را حقیر می‌شمرد و پیوسته خود را مخاطب تازیانه‌های سلوکی قرار می‌داد و می‌فرمود:

ناصری هفتاد و دو سال خوب گناه کرده است، می‌رود در خانه‌اش می‌گوید: خدایا آمدم. خدا هم می‌گوید: تو را بخشیدم. پرونده‌هایت را هم بایگانی کردم تا کسی نفهمد. پرونده‌اش سفید سفید می‌شود. خدایا به این مهربانی! انسان سراغ او نرود؟! با او ارتباط نگیرد؟! حرف او را نشنود؟! (ناصری: دی ۱۳۹۹)

در سخنان وی همیشه دو جهت مشاهده می‌شد؛ یکی اینکه مخاطبان را به تواضع و ذلت درونی سوق می‌داد و دوم اینکه فضل و رحمت الهی را گوش زد می‌کرد. او مخاطب را در خوف و رجا قرار داده، در نهایت امیدواری را غلبه می‌داد:

روز قیامت، وقتی پرونده انسان را به دست او می‌دهند، می‌گوید: «يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظُنُّ رَبُّكَ أَحَدًا»؛ «ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرونگذاشته، مگر اینکه آن را به شمار آورده است؟! و [این در حالی است که] همه اعمال خود را حاضر می‌بینند و پروردگارت به هیچ‌کس ستم نمی‌کند.» (کهف: ۴۹) این را چه کسی نوشته است؟ حتی شوخی‌ها را هم نوشته‌اند. خدا می‌داند که می‌نویسند. هرچه از دهان ناصری در بیاید، این بزرگواران می‌نویسند. همه ما هم روز قیامت باسواد می‌شویم، لذا وقتی پرونده من را به دستم می‌دهند، آن را می‌خوانم و می‌بینم که همه را نوشته‌اند. یک مقدار انسان حواسش را جمع کند. عزیز من! یک مقدار چشم‌هایمان را بیشتر کنترل کنیم. یک مقداری زبانمان را بیشتر کنترل کنیم. یک مقداری حواسمان را جمع خودمان کنیم. کسی دلش به حال ناصری نمی‌سوزد. ناصری باید خودش دلش به حال خودش بسوزد. هرکس به کار خودش است؛ زن و



بچه و نوه و همه، هرکس به فکر خودش است. من باید خودم به فکر خودم باشم.

(ناصری: بهمن ۱۳۹۹)

این شاخصه از انبیا و اهل بیت علیهم السلام به علمای راستین ما هم رسیده است؛ بزرگانی که همه وجود آنها تواضع و شکستگی در برابر خدا و بندگان خدا بود. آیت الله ناصری رحمته الله درباره تواضع مرحوم آخوند خراسانی رحمته الله می گفت:

مرحوم آخوند خراسانی اعلی الله مقامه الشریف کتاب کفایة الاصول را نوشته است حدود هزار نفر مجتهد پای درس او می نشستند. همسایه او فقیر بود و با یک گاری دستی امور خود را می گذراند. آن همسایه نصف شب درب منزل آخوند را زد و با گریه گفت: «آقا، خانواده ما می خواهد وضع حمل کند و کسی را نداریم، چه کنیم؟» مرحوم آخوند فوراً خانواده خود را فرستاد تا به کمک این خانم برود. آن زمان برق هم نبود؛ لذا خود آخوند چراغ را برداشته بود و برای خبر کردن قابله رفته بود. اینها بزرگان ما بوده اند که به ما سرمشق می دادند. ما هم باید همین طوری باشیم و در برابر همدیگر متواضع باشیم. (ناصری دولت آبادی، ۱۴۰۱: ص ۱۸۶)

همسایگی تواضع با امور بدلی

در شخصیت آیت الله ناصری رحمته الله تواضع و فروتنی به معنای حقیقی خود ظهور و بروز داشت. به بیان دیگر تواضع وی نشأت گرفته از اموری مثل ضعف نفسانی یا درون گرایی افراطی یا ترس و خجالت نبود؛ بلکه حقیقت ذلت در برابر خداوند متعال، او را این گونه در رفتار با مؤمنین متواضع کرده بود. برخی فضایل با صفات بدلی خود، همسایگی دارند؛ گاهی این همسایگی آن قدر نزدیک است که تشخیص فضیلت از بدل دروغین آن بسیار دشوار است. مثلاً گاهی شجاعت با ضعف نفس و کمبود عواطف، همسایه می شود؛ از این رو شخصی که کلامش را با تندی و گاهی با زور در برابر انسانی قوی تر از خود بیان می کند؛ چه بسا از همان ترس و ضعف درونی اش نشئت گرفته باشد.

فروتنی نیز همیشه بر فضیلت شخص دلالت ندارد و ممکن است از اموری دیگر ناشی شده باشد. گاهی فضیلت تواضع با افسردگی، ضعف نفسانی، درون گرایی افراطی، ترس، خجالت و اموری از این قبیل، همسایه می گردد و تشخیص اصل از بدل را سخت می نماید و چون رفتارهای فروتنانه فرد از ملکه نفسانی او سرچشمه نگرفته، فضیلتی هم به حساب نمی آید و



چه بسا این بروزات به ظاهر زیبا، به تشدید بیماری او نیز بینجامد. تواضع حقیقی و اصل، آن است که از شخصیت و شاکله‌ای صحیح، نشئت گرفته باشد و در غیر این صورت، تواضع فرد، رفتاری نفاق‌گونه است و باید درصدد یافتن منشأ اصلی این رفتار خود باشد.

شاخص‌های تواضع

همان‌طور که گذشت فروتنی در حکم اصل برای فضایل دیگر است و به تعبیر روایت، باب الفضایل است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۲، ۱۲۱) امیرمؤمنان علیه السلام در وصیت خود تواضع را از عبادات بزرگ دانسته است. (همو: ۱۱۹)

در روایات دینی ما، برای این فضیلت، شاخص‌هایی بیان شده است که برخی از آنها ذکر می‌شود:

غذا خوردن و حشرونشر با فقرا و خدام

اینکه انسان با زبردستان خود نشست و برخاست کند، نشانه‌ای بر تواضع و حتی ساده‌زیستی اوست. در روایتی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است که غذا خوردن با خدام، نشانه تواضع است، و کسی با خدام غذا بخورد، بهشت مشتاق اوست. (مستغفری، ۱۳۸۵: ۲۰) این نشانه و شاخص در روایات دیگری هم بدان اشاره شده است. (طبرسی، ۱۳۸۴: ۷۲؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۴۳۳)

در سیره آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه نشست و برخاست با طبقه ضعیف جامعه، به وفور دیده می‌شد. یکی از شاگردان آیت‌الله ناصری نقل می‌کند در جلسات روضه فاطمیه وی که در شهر دولت‌آباد اصفهان برگزار می‌شد، تمام اقشار جامعه حضور می‌یافتند و وی برای همه عزاداران فاطمی احترامی ویژه قائل بود؛ به‌گونه‌ای که دم در حسینیه روی زمین می‌نشست و هرکسی وارد می‌شد، به احترام او برمی‌خاست و به او تقدیم می‌کرد. در پایان هر جلسه هم به همراه افرادی که حضور داشتند سر یک سفره می‌نشست و غذا می‌خورد. (سلامت‌پناه، ۱۳۴۴)

در روایتی آمده است که روزی امام سجاد علیه السلام بر افرادی عبور کردند که بیماری جذام داشتند. آن افراد حضرت را به هم جواری در غذا خوردن دعوت کردند. حضرت فرمودند: اگر امروز روزه نبودم حتماً دعوت شما را اجابت می‌کردم. آنگاه به منزل رفتند و غذایی تدارک دیدند و همه آن افراد را به منزل دعوت کردند و با هم غذا خوردند. (کلینی، ۱۴۰۷،

ج ۲: ۱۲۱)



نوشیدن از دم خورده مؤمن

در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است که نوشیدن مرد از دم خورده برادر مؤمنش، نشانه تواضع است. (مستغفری، ۱۳۸۵: ۲۱)

یکی از معاشران آیت الله ناصری رحمته الله علیه نقل می‌کند که روزی منزل آیت الله نشستند بودیم. یکی از میهمانان مقداری از چای خود را نوشید. ناگهان آیت الله ناصری باقی مانده چای میهمان خود را برداشت و نوشید. این تواضع وی برای همه افرادی که آنجا بودند درس عبرتی شد. (نصراصفهانی، ۱۳۵۷)

تکبر در برابر اغنیا

تکبر در برابر اغنیا از اموری است که در روایات از آن به عنوان نشانه‌های تواضع یاد شده است. (وزام، ۱۳۶۹، ج ۲: ۲۴۳؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۱: ۱۹۶) حتی در بعضی روایات تواضع در برابر ثروتمند به خاطر ثروت او، مساوی با از بین رفتن دوسوم دین معرفی شده است! (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲: ۱۹۶)

امیرمؤمنان علیه السلام نیز در نهج البلاغه به این خویشتن‌داری در برابر اغنیا اشاره می‌فرماید: «مَا أَحْسَنَ تَوَاضُعِ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ طَلَبًا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ تِيَهُ الْفُقَرَاءِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ اتِّكَالًا عَلَى اللَّهِ.» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: ۵۴۷)

این خویشتن‌داری در برابر ثروتمندان در منش آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه دیده می‌شد. چه بسا رفتار وی با فقرا و مردم عادی، بسیار خاضعانه و خاشعانه، و با برخی توانگران شاخص جامعه که بویی از تقوا و توحید نبرده بودند، محکم و همراه با خویشتن‌داری بود؛ به حدی که ملاقات عموم مردم با وی، بسیار آسان‌تر از ملاقات برخی توانگران با او بود. (نصراصفهانی، ۱۳۵۷) علاوه بر سیره و منش، در کلام و اندیشه وی هم تذکر به این موضوع دیده می‌شد. (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۸۶)

نشستن در هرکجای مجلس

امام صادق علیه السلام در روایتی فرمودند: از نشانه‌های فروتنی این است که به نشستن در پایین مجلس راضی باشی؛ [اگرچه شرافت و شأن تو نشستن در صدر مجلس باشد]. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۲۲؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۸: ۳۳۳)





یکی از علاقه‌مندان آیت‌الله ناصر بنقل می‌کند در مجالسی که ایشان شرکت می‌کرد، مقید بود که در پایین مجلس بنشینند، حتی با اصرار برخی افراد، حاضر نبود که به بالای مجلس برود. وی به جایگاه‌های مشخصی که در برخی مجالس برایش آماده کرده بودند، اهمیتی نمی‌داد و پایین مجلس را انتخاب می‌کرد. (نصراصفهانی، ۱۳۴۹) چنان‌چه در روایتی از امام صادق علیه السلام یکی از نشانه‌های فروتنی، نشستن در محلی پایین‌تر از شأن خود است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۲۱) او برای اینکه مردم را به این نحوه از تواضع سوق بدهد، دائماً در کلامش به ناچیز بودن دنیا و عدم وابستگی به آن اشاره می‌کرد و ملکیت انسان‌ها را ملکیت اضافی نه حقیقی معنا می‌کرد و این‌گونه مردم را به فقر ذاتی خودشان آگاه می‌کرد تا ثمره آن، تواضع و فروتنی در بین مؤمنین شود. (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۸۴)

سلام کردن

از دیگر نشانه‌های تواضع، سلام کردن است که در روایات به آن اشاره شده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۲۲)

یکی از علاقه‌مندان آیت‌الله ناصر علیه السلام نقل می‌کند که وقتی ایشان برای اقامه نماز وارد مسجد می‌شد، با صدایی رسا، به کوچک و بزرگ سلام می‌کردند و همیشه در این امر، پیش قدم بود، و این از نشانه‌های تواضع او بود. (بیژنی، ۱۳۶۰)

ترک جدال

از دیگر نشانه‌های تواضع، ترک مجادله و منازعه است. صادق آل محمد علیهم السلام در این باره فرموده‌اند: «مِنَ التَّوَّاضِعِ... أَنْ تَتْرُكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كُنْتَ مُحِقًّا.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۲۳)

از نشانه‌های تواضع، ترک جدال و منازعه با خلق خداست؛ اگرچه حق با او باشد [و هرچند که این مجادله در کلاس درس و مسائل علمیه باشد]. (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۸: ۳۳۳)

این خصوصیت، نشان از سلامت جسم و روان انسان دارد؛ چراکه انسانی که آرامش دارد و بر اعصاب خود مسلط است، درصدد اثبات سخن خود نیست؛ در مقابل کسی که از سلامت روانی برخوردار نیست، درصدد جبران این کمبود درونی با غلبه بر مردم به همراه جدال و منازعه است. انسانی که قلبش آرام است، احساس کمبودی ندارد؛ بنابراین اگرچه حق با او باشد، باز سخن را به مجادله و منازعه نمی‌کشانند.



این نشانه در سیره آیت‌الله ناصری علیه السلام بسیار نمایان بود. وی در مواردی که شخص مقابل، سخنش را حتی دور از حقیقت تلقی می‌کرد، با آرامشی خاص می‌گفت: «آقا، مانعی ندارد و این سخن بنده، برای خودم باشد.» یا با جملات بسیار کوتاه، بحث را تمام می‌کرد. (نویسنده)

دوست نداشتن ستایش شدن از سوی دیگران

از دیگر نشانه‌های تواضع، دوست نداشتن ستایش شدن از سوی دیگران است، حتی اگر این ستایش، مربوط به تقوا و ورع انسان باشد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۲۳) چراکه این محبت و دوست داشتن از آثار عجب و اعتقاد به خروج نفس از حد تقصیر است، و این صفات، مذموم و مُهَلِّک است. (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۸: ۳۳۳).

آیت‌الله ناصری علیه السلام در کلمات خود توصیه و تأکید بر این داشت که انسان نباید در درون، خودش را بهتر از دیگران بداند و به دنبال این باشد که مردم او را مدح کنند. او در این رابطه می‌گفت:

مؤمن همه را بهتر از خودش می‌بیند. چطور همه را بهتر از خودش می‌بیند؟ مثلاً من شما را بهتر از خودم می‌بینم؛ چون وضعیت سنی شما از سه حالت خارج نیست؛ یا سن شما برابر با من است، یا بیشتر از من و یا کمتر از من. اگر سن شما برابر با من باشد، از معاصی یقینی خودم خبر دارم؛ ولی از معاصی شما هیچ خبر ندارم. به معصیت‌های خودم یقین دارم؛ اما یقین ندارم شما معصیت کرده باشید. پس شما اشرف از من هستید. اگر سن شما بیشتر باشد، عبادات شما بیشتر از من بوده، من عباداتم کمتر بوده؛ پس شما اشرف از من هستید. اگر سن شما کمتر از من باشد، گناهان شما کمتر از من است؛ در نتیجه همه شما اشرف از من هستید. انسان در مقابل اشرف از خودش متواضعانه می‌ایستد و کوچکی می‌کند؛ لذا انسان همیشه خودش را کوچک می‌بیند. (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۸۵)

حسن خلق

از جمله نشانه‌های تواضع که در وصایای امیرمؤمنان علیه السلام به کمیل سفارش شده، خوش خلقی است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۲۶۸)

در جای جای سخنان آیت‌الله ناصری علیه السلام سفارش به حسن خلق وجود دارد. در سیره وی



نیز خوش خلقی بسیار بروز و ظهور داشت و لبخند و مزاح و شوخی در رفتار او مشهود بود. کلام شیرین او باعث سرور و شادی کوچک و بزرگ، بود؛ چنان‌که گویا صفت حسن خلق در جان‌ش ریشه دوانده که رفتارش از آن سرشار است.

کوشش برای آسایش خانواده

از دیگر شاخص‌های فروتنی تلاش برای آسایش خانواده است. یونس بن یعقوب می‌گوید: امام صادق علیه السلام مردی از اهل مدینه را دید که چیزی برای خانواده‌اش خریده بود و با خود می‌برد. چون آن مرد امام را دید خجالت کشید. امام علیه السلام فرمودند: این را خودت خریده‌ای و برای خانواده‌ات می‌بری؟ به خدا سوگند، اگر اهل مدینه نبودند (که سرزنش و خرده‌گیری کنند) من هم دوست داشتم، برای خانواده‌ام چیزی بخرم و خودم ببرم. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۲۱)

بخشش

بخشش، یکی از نشانه‌های تواضع است. امام رضا علیه السلام در روایتی فرمودند: تواضع این است که آنچه را دوست داری مردم به تو ببخشند، تو به مردم عطا کنی. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۲۴)

این گذشت و بخشش در سیره آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه نمود داشت؛ چه در عطا‌های مادی و چه معنوی. چه بسیار افرادی که خدمت وی می‌رسیدند و از بخششش بهره‌مند می‌شدند.

علم نافع

میوه علم نافع، تواضع و فروتنی است. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۲) از این رو عالمی که فروتنی نداشته باشد دارای علم حقیقی نیست.

علمی که آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه داشت علمی نافع بود؛ زیرا انسان، میوه تواضع و فروتنی را در وی می‌دید. وی در نصایحی که به طلاب و اهل علم داشت، به این مهم تأکید می‌کرد. او به تواضع شیخ انصاری رحمته الله علیه اشاره می‌کرد و می‌گفت:

مرحوم شیخ انصاری، از اولیای الهی است و با این حال، لباس طلبه‌ها را می‌گرفت و می‌شست و می‌گفت: «من لباس هایتان را می‌شویم؛ شما درستان را بخوانید (ناصری): نرم‌افزار مجموعه آثار)



شناخت قدر خود

یکی از نشانه‌هایی که در روایات برای تواضع شمرده شده، شناخت قدر و منزلت خود است. حسن بن جهم می‌گوید از امام رضا علیه السلام پرسیدم حد تواضع چیست که چون بنده آن را به جا آورد متواضع است؟ فرمودند: تواضع درجاتی دارد: برخی از آن‌ها این است که انسان قدر خود را بشناسد و با دلی سالم خود را به جایگاه خویش بنشانند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۲۴)

در کلمات آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه این موضوع بسیار شنیده می‌شد. وی درباره عظمت شأن حضرت سلمان و اینکه چگونه قدر و منزلت خود را می‌شناخت، می‌گفت:

بزرگان قریش و سردمداران آن‌ها یک روز دور هم جمع شده بودند و به یکدیگر به دلیل دارایی‌های خود افتخار می‌کردند و به خود می‌بالیدند. حضرت سلمان هم که پیرمرد چند صدساله بود و هیچ چیز نداشت، یک گوشه در آفتاب نشسته بود. گفتند: «سلمان! تو هم از فضایل خود بگو. از شرافت و بزرگواری ات بگو. تو هم چیزی بگو.» طعنه به او می‌زدند و می‌خواستند او را تحقیر کنند. گفت: «بله؛ من اولم نطفه گندیده بود. بعد چند روزی اینجا آمدم و بعد هم مردار گندیده می‌شوم.»

وقتی انسان مُرد، عزیزترین افراد، عجله می‌کنند که هرچه زودتر او را از خانه بیرون کنند. همه ما همین‌طور هستیم. دنیا این است. سلمان گفت: «اول، نطفه گندیده بودم؛ آمدم به دنیا و مُردم و جیفه گندیده شدم. این، نسب من است؛ ولی اعمال من محفوظ است. روز قیامت، پای میزان عدل الهی، اگر حسابم درست در آمد، از همه اشرف هستم و اگر درست در نیامد، پست‌تر از همه هستم.» (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۸۲؛ ورام‌بن‌ابی‌فراس، ۱۳۶۹، ج ۱: ۲۰۳)

آثار تواضع

قبل از ورود به آثار تواضع، باید گفت که شاخص با اثر متفاوت است. شاخص، نشانه یک چیز است؛ ولی اثر، میوه آن است. برخی از ثمرات و میوه‌های تواضع که در روایات به آنها اشاره شده است عبارت‌اند از:

بزرگی و رفعت و شرافت

بزرگی و رفعت مقام از جمله آثار تواضع است که در روایات بسیاری بدان اشاره شده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۲۱) امام صادق علیه السلام در روایتی فرمودند: در آسمان، دو فرشته هستند که





وظیفه آنان این است که هرکس برای خدا فروتنی کرد، او را رفعت و بزرگی دهند و هرکس تکبر نمود، او را پایین کشانند. (همو)

این اثر، به وضوح در آیت الله ناصری رحمته الله علیه دیده می‌شود. خداوند متعال به سبب تواضع وی، چنان رفعت و مقامی به او داده بود که در زمان حیات، بسیاری از مؤمنین به او ارادت داشته، برای رفع مشکلاتشان به وی مراجعه می‌کردند. بعد از زمان حیات نیز مزار او، ملجأ بسیاری از ارادتمندان است و مردم ایران مخصوصاً اهل اصفهان، او را به بزرگی یاد می‌کنند.

او در سخنان و توصیه‌هایش نیز می‌گفت:

خودت را کوچک ببین، تا بزرگ باشی. عزیز من! یک بوته تیغ، اگر بر سر مناره هم سبز شود، تیغ است؛ هرچه هم بالا باشد، تیغ است و باید آن را سوزاند؛ پس بالانشستن، علامت بزرگی نیست. خودت را اصلاح کن که اگر پایین هم نشستی، بزرگ هستی. وقتی در خانه خدا بزرگ شدی، همه جا بزرگ هستی. در دعا که خوانده‌ای: *الهی اِنَّ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي وَاِنَّ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي* (ر.ک: من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۹۰؛ تهذیب، ج ۵، ص ۲۷۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۷۹)؛ خدایا، اگر مرا بالا ببری، چه کسی می‌تواند من را زمین بزند؟ اگر هم که بخواهی من را زمین بزنی، چه کسی می‌تواند بلندم کند؟ (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۸۸)

در روایتی آمده است که در میان کوه‌ها کوهی که برای کشتی نوح تواضع کرد و آن را در خود جای داد، به مقام و رفعت رسید و به کوه جودی معروف شد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۲۱) تواضع بی‌اراده، چنان مؤثر است که کوه را به مقام و رفعت می‌رساند؛ پس تواضع ارادی انسان، اولی به آن رفعت و بزرگی است. (قمی، ۱۴۱۴، ج ۸: ۵۱۹)

روایات بسیاری در این مقام وارد شده است.^۱

تقرب به خدا

از جمله آثار تواضع، تقرب به خداوند متعال است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «فِيمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا دَاوُودُ كَمَا أَنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْمُتَوَاضِعُونَ كَذَلِكَ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْمُتَكَبِّرُونَ.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۳۱۹)

۱. ر.ک: تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۵۰ و بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۵۳.



آیت الله ناصری رحمته الله علیه آن قدر به خدا نزدیک بود که اگر دست به دعا برمی داشت، احتمال استجابت بسیار بالا بود. چه بسیار افراد که در میان آنها برخی بزرگان و علما وجود داشتند که از راه‌های دور و نزدیک نزد وی می آمدند و از او التماس دعا داشتند. این‌ها همه نشان از تقرب و آبروداشتن او در درگاه الهی بود.

محبت

محبت و دوستی، از دیگر ثمرات فروتنی است؛ چنان‌چه روایات هم بر این موضوع دلالت می‌کند. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۰)

انسانی که در برابر مردم متواضع است، مردم نیز به او محبت می‌ورزند و این اثری است ناخودآگاه که در قلب مردم نفوذ می‌کند. این محبت قلبی در بین مردمی که کوچک‌ترین ملاقاتی با آیت الله ناصری رحمته الله علیه داشتند به عیان دیده می‌شد؛ این محبت حتی در افرادی که با وی ملاقات حضوری نداشتند و تنها سخنان او را در رسانه‌ها دیده و شنیده بودند، نمایان بود. تشییع باشکوه و کم‌نظیر پیکر وی، مؤیدی بر این محبت قلبی بود. تشییع وی چنان بود که گویا مردم پدری مهربان و دلسوز و پناهگاهی مطمئن را از دست داده‌اند.

تنظیم امور

از میوه‌های فروتنی، سامان یافتن امور است. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره فرمودند: «بِحَقْفِضِ الْجَنَاحِ تَنْتَظِمُ الْأُمُورَ.» (همو)

اگر از نزدیک به امور روزانه آیت الله ناصری رحمته الله علیه می‌نگریستیم، می‌دیدیم که وی به همه کارهای خود از قبیل عبادات، بحث و مطالعه، تدریس، منبر، امور خانوادگی، صلۀ رحم و رفع مشکلات مردم، به بهترین‌گونه رسیدگی کرده، هیچ‌کدام را فدای دیگری نمی‌کرد. این نظم‌دهی و سامان‌دهی به کارها، توفیقی الهی است که به هرکسی عنایت نمی‌شود. این از آثار تواضع و شکستگی وی بود.

حکمت

امام موسی بن جعفر علیه السلام در سفارش‌های خود به هشام، حکمت را از جمله آثار تواضع معرفی کرده‌اند. آن حضرت فرموده‌اند:





«يَا هِشَامُ إِنَّ الزَّرَعَ يَنْبُتُ فِي السَّهْلِ وَلَا يَنْبُتُ فِي الصَّفَا فَكَذَلِكَ الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَلَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ لِأَنَّ اللَّهَ جَعَلَ التَّوَاضِعَ آلَةَ الْعَقْلِ وَجَعَلَ التَّكَبُّرَ مِنْ آلَةِ الْجَهْلِ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ مَنْ شَمَخَ إِلَى السَّقْفِ بِرَأْسِهِ شَجَّهَ وَمَنْ خَفَضَ رَأْسَهُ اسْتَظَلَّ تَحْتَهُ وَكَذَلِكَ مَنْ لَمْ يَتَوَاضِعْ لِلَّهِ خَفَضَهُ اللَّهُ وَمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۹۷)

هشام، کشت در دشت هموار و نرم می‌روید، نه در سنگ سخت. حکمت نیز در قلب متواضع رشد می‌کند، نه در قلب متکبر سرکش. خداوند تواضع را ابزار عقل قرار داده و تکبر را ابزار جهل، نمی‌بینی هرکه سر به سقف بکوبد سرش می‌شکند، و هرکه سر فرو افکند در سایه سقف برآساید، و در پناهِش درآید. خدای متعال نیز آن را که تواضع نکند، فروهد، و آن را که تواضع کند رفعت بخشد.

خداوند به هرکس حکمت عطا کند، به دنبال آن خیر کثیر شامل حال او می‌شود. (بقره، ۲۶۹) در زندگی و احوالات آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه این خیر کثیر مشاهده می‌شد؛ چه مشکلاتی که به دست وی حل و فصل شد! چه افرادی که در مسیر زندگی‌شان متحیر بودند و راهنمایی‌های حکمت‌آمیز او مسیر را برای آنان مشخص کرد! چه مشکلاتی که در مسیر سلوک برای سالکین الی‌الله به دست وی باز شد! گاهی راهنمایی‌های حکیمانه او پس از بیست سال خودش را نشان می‌داد.

تقرب به اهل بیت علیهم‌السلام

تقرب به اهل بیت علیهم‌السلام از دیگر ثمرات فروتنی است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در کلامی گهربار فرمودند: «همانا محبوب‌ترین شما نزد من، و نزدیک‌ترین شما به جایگاه من در روز قیامت، خوش‌خلق‌ترین شما و متواضع‌ترین شما است، و دورترین شما از من در روز قیامت، پرگویان هستند که آنان متکبران‌اند.» (قمی، ۱۴۱۴، ج ۸: ۵۲۳)

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه چنان محبتی از اهل بیت علیهم‌السلام در دل داشت که حتی شنیدن نام حضرات اهل بیت علیهم‌السلام و یاد آنها او را منقلب می‌کرد. افرادی که با سخنان وی مأنوس بودند، می‌دیدند که وقتی نام مبارک امام زمان علیه‌السلام یا دیگر اسامی اهل بیت علیهم‌السلام بر زبان او جاری می‌شد، اشک از دیدگانش سرازیر می‌گشت. این میزان از تقرب به اهل بیت علیهم‌السلام یکی از میوه‌های تواضع و فروتنی او بود.

او خود درباره این ثمره، جریان جناب علی بن یقطین (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸: ۸۵) را نقل می‌کرد



که چگونه با تواضع و فروتنی‌یی که از خود نشان داد، از مقربان درگاه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شد. (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۸۶)

رسیدن به تقوا

امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه از فروتنی به عنوان یکی از صفات و شاخص‌های متقین یاد کرده‌اند: «فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ وَ مَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ وَ مَشِيئُهُمُ التَّوَاضُّعُ.» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۳۰۳) از این رو یکی از آثار تواضع، رسیدن به تقواست.

آیت‌الله ناصری رحمته الله نیز این فراز از خطبه همّام را چنین تبیین فرمود:

طبق فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام یکی دیگر از علامت‌های متقین، این است که «مَشِيئُهُمُ التَّوَاضُّعُ» مَشِی، به معنای راه رفتن است؛ یعنی متقین متواضعانه راه می‌روند. بعضی‌ها موقع راه رفتن، چنان متکبرانه راه می‌روند و سینه را جلو می‌اندازند و پاهایشان را محکم روی زمین می‌زنند و گردن خود را راست می‌گیرند، مثل اینکه از آسمان پایین افتاده‌اند! وقتی هم که با کسی می‌خواهند صحبت بکنند، با گوشه چشم خود نگاه می‌کنند و خیلی سختشان است برگردند و با تمام بدن خود روبه‌روی مؤمنان بایستند. حضرت می‌فرمایند: اگر می‌خواهی مؤمن را بشناسی، از راه رفتن او بشناس و ببین چطور راه می‌رود. (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۷۹)

وی در تبیین مَشِی متواضعانه معتقد بود که تواضع نه تنها در راه رفتن، بلکه در همه زندگی انسان متقی نمایان است. البته هر کسی طبق شئون‌اتش باید آبروی خود را حفظ کند، ولی وابسته به آن نباشد. (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۹۴)

نتیجه‌گیری

فروتنی از جمله فضاییلی است که از درون شخصیت آدمی نشئت می‌گیرد. انسانی که در شاکله او تکبر و خودبزرگی بینی ریشه دوانده است، اگرچه رفتاری متواضعانه از خود نشان دهد؛ چیزی جز ریا و کذب بروز نداده است؛ از این رو خداوند پس از نقل برخی کلمات صدق از زبان برخی منافقان، بلافاصله آنها را کاذب می‌نامد. (منافقون: ۱) شخصیت و شاکله حضرت آیت‌الله ناصری رحمته الله یکپارچه تواضع و فروتنی بود به طوری که ناخودآگاه رفتاری متواضعانه داشت و این نشانه‌ای بر صدق وی بود.





در آیات و روایات، شاخص‌ها و نشانه‌های فروتنی بسیار زیاد است که غالباً خودش را در رفتار نشان می‌دهد؛ از قبیل: نشست و برخاست باضعفا و فقرا، راضی بودن به نشستن در هر جای مجلس، ابتدا سلام کردن به دیگران، ترک جدال و مراء، بخشش به دیگران و دوست نداشتن به ستایش شدن از سوی دیگران.

همچنین در آیات و روایات فراوانی به آثار و ثمرات فروتنی نیز اشاره شده است؛ از قبیل: بزرگی و شرافت، تقرب به خدا، محبت، حکمت و تقرب به اهل بیت علیهم‌السلام.

این شاخص‌ها و آثار در آیت الله ناصری رحمته‌الله تطبیق می‌کرد.

منابع

کتاب‌ها

* قرآن کریم.

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن ابی‌الحدید، قم، چ اول، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، چ دوم، ۱۴۱۳ق.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، چ دوم، ۱۳۶۳ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، چ سوم، ۱۴۱۴ق.
۵. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، تهران، چ چهارم، ۱۳۸۲ش.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، قم، چ اول، ۱۳۶۶ش.
۷. حسن بن علی، امام یازدهم علیه‌السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه‌السلام، قم، چ اول، ۱۴۰۹ق.
۸. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، قم، چ اول، ۱۴۱۴ق.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، نثر الالائی / ترجمه شیخی، مشهد، چ دوم، ۱۳۸۴ش.
۱۰. قمی، عباس، سفینة البحار، قم، چ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، تهران، چ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۲. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، قم، چ اول، ۱۳۷۶ش.



۱۳. مازندرانى، محمد صالح بن احمد، شرح الكافى، الأصول و الروضة (للمولى صالح المازندراني)، تهران، چ اول، ۱۳۸۲ق.
۱۴. مجلسى، محمد باقر، بحار الأنوار (ط - بيروت)، بيروت، چ دوم، ۱۴۰۳ق.
۱۵. _____، مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول، تهران، چ دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۶. مستغفرى، جعفر بن محمد، طب النبى ﷺ، نجف، چ اول، ۱۳۸۵ق.
۱۷. مصطفوى، حسن، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، تهران، چ اول، ۱۳۶۸ش.
۱۸. ناصرى دولت آبادى، محمد على، رسم بندگى، قم، چ اول، ۱۴۰۱ش.
۱۹. نراقى، احمد، معراج السعاده، قم، چ هفتم، ۱۴۰۱ش.
۲۰. ورام بن أبى فراس، مسعود بن عيسى، مجموعته ورام، آداب و اخلاق در اسلام / ترجمه تنبيه الخواطر، مشهد، چ اول، ۱۳۶۹ش.

فضای مجازى

۲۱. کانال رسمى آيت الله ناصرى، در شبکه هاى اجتماعى تلگرام و ایتا (@naseri_ir): ۸ دى ۱۳۹۹
۲۲. _____: ۱۳ بهمن ۱۳۹۹

مصاحبه ها

۲۳. بیژنى، مجید (۱۳۶۰)
۲۴. سلامت پناه، عباس (۱۳۴۴)
۲۵. نصر اصفهانی، احمد رضا (۱۳۴۹)
۲۶. نصر اصفهانی، وحید (۱۳۵۷)



